

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در اسم‌هایی است که برای روز قیامت در قرآن کریم ذکر شده. یکی از اسم‌هایی که برای قیامت در قرآن کریم ذکر شده «یوماً عبوساً قمطیراً» است، در سوره مبارکه انسان آیه دهم خداوند تبارک و تعالی از زبان ابرار نقل می‌کند: بحث در اسم‌هایی است که برای روز قیامت در قرآن کریم ذکر شده. یکی از اسم‌هایی که برای قیامت در قرآن کریم ذکر شده «یوماً عبوساً قمطیراً» است، در سوره مبارکه انسان آیه دهم خداوند تبارک و تعالی از زبان ابرار نقل می‌کند: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» عبوس به معنای آن قیافه‌ای است که ناخشنود است و درهم کشیده می‌شود و قمطیر را از دو ماده احتمال داده‌اند، یکی از ماده‌ی قطر و بنا بر اینکه از ماده قطر باشد «میم» آن زائد است، یکی هم از قمطر بر وزن خنجر است. قمطیر به معنای سخت و شدید است، گاهی اوقات به انسان ترش‌روی و بدخلق هم قمطیر می‌گویند که روی این حساب قمطیر یک مقداری شدیدتر از عبوس است.

عبوس کسی است که چهره‌ی خودش را موقتاً در هم می‌کشد، قمطیر آن است که یک خشونت و تنیدی همیشگی دارد، شدت ذاتی دارد، حالا بحث این است که در این آیه شریفه که ابرار می‌گویند «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» ما از پروردگار خودمان، از آن روزی که عبوس و قمطیر، سخت و شدید است خوف داریم، آیا عبوساً قمطیراً وصف برای افراد در آن روز است یا اینکه وصف برای خود روز خدا قرار داده؟ اگر بگوئیم وصف برای افراد آن روز است، یعنی روزی است که همه‌ی چهره‌ها از شدت ناراحتی در هم کشیده شده، همه‌ی انسان‌ها در حالت سختی و شدت به سر می‌پرند، اما اگر آمدم عبوساً قمطیراً را وصف برای خود یوم قرار دادیم که ظاهر آیه شریفه هم همین است (ولو کنایه است) ولو یوم و زمان چیزی نیست که ظاهری داشته باشد تا بتواند خودش را درهم بکشد، ولی بگوئیم خدای تبارک و تعالی این را استعاره آورده، حالا به هر تعبیری می‌خواهیم بگوئیم! این را وصف برای یوم قرار داده، یعنی آن یوم یومی است که تماماً این خصوصیت را دارد، یومی است که در آن راحتی نیست و همه‌اش از اول تا آخر سختی است و در آن عبوس بودن است.

عرض کردم اگر ما عبوساً قمطیراً را وصف برای افراد در آن روز قرار بدهیم اصلاً نمی‌توانیم بگوئیم این یکی از اسم‌های روز قیامت است، اینکه از اسم‌های روز قیامت یوماً عبوساً قمطیراً است، ولی اگر آمدم بر حسب ظاهر آیه شریفه عبوساً قمطیراً را وصف برای خود یوم قرار دادیم «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا» که آن یوم مانند عبوس قمطیر است و در این وضع قرار دارد، آن یوم یک باطنی دارد و تمامش شدت است، تمامش درهم رفتن است.

می‌گوئیم فلان روز روز نحسی است چون قتل‌ها در آن واقع شده، انبیاء در آن کشته شدند، این بحث در جای خودش مطرح است که نحس بودن ایام به چه اعتباری است؟ اینجا یوماً عبوساً قمطیراً را نمی‌توانیم با این بحث گره بزنیم، بگوئیم چون روز قیامت یک عده از مجرمین، یعنی تمام کفار و مجرمین عبوساً قمطیراً هستند، خدا به روز قیامت هم می‌فرماید یوماً

عبوساً قمبراً! نه، بالاتر از این است، مثل اینکه ما در ایام دنیای خودمان می‌گوییم امروز روز خوبی نبود، روز بابرکتی نبود، نه اینکه عملی هم در آن واقع شده و به خاطر آن انراحت باشیم، ظهور در این دارد که اگر کسی بگوید سعد و نحس بودن ایام فقط به اعمال و اشخاصی است که در آن روز است دیگر عبوساً قمبراً را هم باید بگوئیم صفت برای اشخاص آن روز است و دیگر ربطی به خود روز ندارد! اما عرض کردم این خلاف ظاهر آیه شریفه است.

يك تعبيری در کلمات برخی از مفسرین هم هست که مؤید ماست و گفتند «سبحان الله ما أشد إسمه و هو من اسمه أشد» چقدر اسم عظیمی است «یوماً عبوساً قمبراً» روز عبوس و قمبریر «وهو من إسمه أشد» او از اسم خودش اشد است، یعنی این اسمش که اشد است خودش از آن اشد است.

از دیگر اسامی قیامت يوم الوقوف است، در سوره مبارکه صافات آیه 24 می‌فرماید: «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» اینها را نگه دارید، اینها مسئول هستند! این آیه مربوط به کفار، بت‌پرستها و مشرکین و کسانی که خدای تبارک و تعالی و قیامت را تکذیب کردند، خدا می‌فرماید روز قیامت خطاب می‌آید که «قفوهم إنهم مسئولون» اینها را نگه دارید که بایستی از اینها سؤال شود. اگر گفتیم به ظاهر آیه عمل کنیم «يوم الوقوف» اختصاص به کفار و مشرکین دارد که اینها را نگه می‌دارند و روز قیامت عنوان يوم الوقوف را دارد چون کفار را نگه می‌دارند و به حالت ایستاده هم باید باشد!

خداوند در آیه 30 از سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۖ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» که این هم مربوط به کفار است.

در آیه 27 هم می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». وقوف یا برای سؤال یا وقفوا علی النار که این وقفوا علی النار قبل از اینکه وارد آتش جهنم شوند اینها در مقابل نار ایستاده می‌شوند که ببینند آنچه را که تکذیب می‌کردند همین بوده و باید الآن آن را بچشند، و لذا در آن آیه شریفه دارد «قال أليس هذا» اینها را نگه می‌دارند و از ایشان سؤال می‌کنند که «أليس هذا بالحق» آیا این آتشی که می‌بینید حق نیست؟ «قالوا بلی و ربنا» وقتی که خودشان اقرار می‌کنند و قسم می‌خورند که حق است «قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون» «قفوا علی النار، وقفوا علی ربهم، قفوهم» اینها همه مربوط به کفار است و به این اعتبار روز قیامت به يوم الوقوف تعبیر می‌شود.

اینجا باید يك مقایسه‌ای بشود که نسبت به اهل بهشت چنین چیزی نیست و با سرعت وارد بهشت می‌شوند، در قرآن ندارد که اهل بهشت را قبل از اینکه وارد بهشت کنند نگه دارند و توضیح بدهند که چون شما را بهشت و قیامت را قبول داشتید این هم بهشتی که ما به شما وعده داده بودیم، قفوهم نیست، ولو اینکه خطاب می‌آید هذا ما كنتم به توعدون، اما قفوهم در مورد آنها نداریم! در مورد کفار داریم، در مورد مشرکین داریم، در مورد اهل جهنم داریم که خود این هم يك مرحله‌ای از عذاب است، خود ایستادن آنها و نگه داشتن آنها و باز از آنها اقرار گرفتن راجع به اینکه آیا نار حق است یا خیر؟ خودش هم يك مرحله‌ای از عذاب است برای آنها، يك مرحله‌ای از رسوایی برای آنهاست، لذا به این اعتبار از قیامت تعبیر به يوم الوقوف هم می‌شود.

اما از آنجایی که می‌دانید آیات شریفه قرآن این خصوصیت را دارد که ممکن است خود آیه در موردی باشد، اما باز احتمال اراده‌ی معانی دیگر هم باشد، اصلاً مسئله‌ی بطون قرآن ریشه‌ی علمی‌اش به همین برمی‌گردد که چرا قرآن بطن دارد؟ برای اینکه خدای تبارک و تعالی از يك آیه در عرض هم می‌تواند ده معنا را اراده کند، صد معنا را اراده کند که یکی از این معانی شاید مطابق با ظاهر باشد و بقیه‌اش عنوان تأویل قرآن را دارد. ما باشیم و ظاهر این آیات شریفه وقوف مربوط به کفار و مشرکین است و لذا تعبیر شده به يوم الوقوف، اما روایتی هست که در کتاب نور الثقلین جلد چهارم صفحه 401 از وجود پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود «و عزة ربي أن جميع امتي لموقوفون يوم القيامة» قسم به عزت ربم که تمام امت من نگه داشته می‌شوند روز قیامت «و مسئولون عن ولايته» اشاره دارد به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، بعد می‌فرماید «و ذلك قول الله

وقفوههم إنهم مسئولون» همین که قرآن می‌فرماید قفوههم إنهم مسئولون در سوره مبارکه صافات، پیامبر می‌فرماید یکی از مصادیق این آیه این است که تمام مردم و امت من را روز قیامت ننگه می‌دارند از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال می‌کنند.

علی ایّ حال نکته این است که ما باشیم و ظاهر آیات؛ این یوم الوقوف مربوط به کفار است اما بر حسب این روایتی که از وجود مبارک پیامبر رسیده یوم الوقوف برای همه‌ی امت پیامبر است، از همه سؤال می‌کنند که چه کسی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را دارد و چه کسی ندارد؟

نکته: ممکن است ما در اصول بگوئیم استعمال لفظ در بیش از یک معنای واحد جایز نیست کما اینکه بزرگان اصولیین گفته‌اند، ولو امام رضوان الله علیه، مرحوم والد ما رضوان الله علیه به تبع اینها خودمان در مباحث اصول گفتیم استعمال لفظ در اکثر از معنا اشکالی ندارد ولی می‌خواهم عرض کنم در قرآن کریم از خصوصیات این کتاب شریف این است که استعمال لفظ در اکثر از معنا می‌شود، یعنی خدای تبارک و تعالی یک قفوه می‌گوید و از اینها یا مصادق زیادی را اراده می‌کند و یا معانی متعددی را اراده می‌کند.

اراده‌ی مصادیق که هیچ کس نمی‌گوید اشکال دارد، از یک کلیّ مصادیق زیادی اراده شود ولی اراده‌ی معانی مختلف، خود ما در آیات شریفه قرآن به مواردی برخورد کردیم که اصلاً از یک آیه معانی مختلف در عرض یکدیگر اراده شده و این در قرآن کریم اشکالی ندارد و بلکه از خصوصیات این کتاب الهی است، چون این کتاب بشری نیست، بشر ممکن است بگوید من که یک لفظی را می‌گویم یک معنا را بیشتر نمی‌توانم اراده کنم، در آن واحد نمی‌توانم از یک لفظ دو یا ده معنا اراده کنم، اما قرآن کریم درست به عکس خدای تبارک و تعالی می‌تواند در آن واحد از یک لفظ هزار معنا را اراده کند که از این هزار معنا ممکن است ما به حسب فهم خودمان بگوئیم یکیش مطابق با ظاهر لفظ است، اما بقیه‌اش عنوان بطون قرآن را دارد، او دیگر بحثی ندارد که بگوئیم عنوان بطون را دارد یا ندارد؟ اما خصوصیت این کتاب شریف این چنین است، اینجا درست است که در سیاق آیات کفار و اهل جهنم و اهل نار است، قفوههم «هم» را به اهل جهنم برمی‌گرداند اما ممکن است در همان زمان جمیع امت را هم اراده کند «فإنهم مسئولون» عن المعاد و عن النار و مسئولون عن الولاية که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد. این هم یکی دیگر از اسامی قیامت.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين